DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3
روش‌های فقه الحدیثی قطب الدین راوندی در «منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة»ـ
محسن احتشامی‌نیا، امین خوش‌رفتار
علمی- پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هجدهم، شماره ۷۰ «ویژه کتابشناخت متون امامیه»، بهار ۱۴۰۰، ص ۳۰-۴۸

روش‌های فقه الحدیثی قطب‌الدین راوندی در «منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة»

محسن احتشامی‌نیا*
امین خوش‌رفتار**

چکیده: «منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة» تألیف قطب الدین راوندی از مفسران، محدثان و ادیبان قرن ششم هجری نخستین شرح کامل بر کتاب نهج‌البلاغه است که تمام کتاب را به ترتیب از خطبه‌ها تا کلمات قصار شرح داده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، از روش‌های فقه الحدیثی ایشان در این کتاب، می‌توان به استفاده از شعر در تبیین روایات، استناد به اقوال علمای شیعه و لغت قبل از خود، استناد به تاریخ و داستان‌های تاریخی، دفاع از مبانی کلامی شیعه و ردّ مخالفان، اشاره به اختلاف روایت، توجه به وجوه گوناگون معنایی روایت و استفاده از علوم ادبی مثل صرف، نحو، بلاغت و لغت اشاره کرد. ویژگی‌های نگارشی راوندی در کتاب منهاج البراعة بر خلاصه‌نویسی، پرهیز از اغلاق، حلّ وجوه غامض در روایات و دور بودن از تعصّب نابجای مذهبی استوار است.

کلیدواژه‌ها: روش؛ فقه الحدیث؛ قطب‌الدین راوندی؛ منهاج البراعة فی شرح نهج‌البلاغة؛ نهج‌البلاغه.

*. استادیار و عضو هیأت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
m.ehteshaminia@yahoo.com
**. دکترای رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسؤول)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

مقدمه

نهج‌البلاغه کتابی است که از دیرباز مورد عنایت علمای اسلام قرار گرفته و از زمان گردآوریش توسط سیدرضی تا عصر حاضر شروح متعددی بر آن نوشته شده است. از میان این شروح، کتاب «**منهاج البراعة فی شرح نهج‌البلاغة**» از قطب‌الدین راوندی به دلیل تقدم زمانی و همچنین کامل بودنش اهمیت ویژه دارد. إبن أبی‌الحدید معتقد است که قطب‌الدین راوندی با تألیف این کتاب در مقام نخستین شارحِ نهج‌البلاغه قرار دارد:

«**و لم یشرح هذا الکتاب قبلی فیما أعلمه إلّا واحد و هو سعید بن هبة الله بن الحسن الفقیه المعروف بالقطب الراوندی و کان من فقهاء الإمامیة**» (إبن أبی الحدید، ۱۴۰۴، ج۱، ص۵).

راوندی غیر از این کتاب، دو اثر دیگر در زمینه شرح نهج‌البلاغه دارد که عبارتند از: «**المعارج فی شرح نهج‌البلاغة**» که این کتاب به دست ما نرسیده است. (تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۲۱، ص ۱۷۸) و «**شرح الخطبة الأولی من نهج‌البلاغة**» که بنا به تصریح ایشان، قبل از شروع **منهاج‌البراعة** به دیل اهمیت خطبه اول، فقط به شرح این خطبه اقدام کرده بود. (راوندی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴)

از آثار ارزشمند قطب الدین راوندی در زمینه حدیث و فقه الحدیث می‌توان به «**منهاج‌البراعة فی شرح نهج‌البلاغة**»، «**ضیاء الشهاب فی شرح شهاب الاخبار**»، «**قصص الأنبیاء**» و «**الخرائج و الجرائح**» اشاره کرد. کتب «**منهاج البراعة**» و «**ضیاء الشهاب**»، از میان آثار وی صبغه فقه الحدیثی دارند. قطب راوندی در این دو کتاب، از مبانی و روش‌های مختلفی برای توضیح روایات استفاده کرده است که کشف و شناسایی آنها می‌تواند ما را در فهم بهتر روایات کمک قابل توجهی

کند و برای آیندگان به عنوان یک الگوی نمونه در شرح و فهم احادیث قرار گیرد. این پژوهش فقط به تبیین روش‌های فهم روایات در **منهاج البراعة** می‌پردازد.

معرفی اجمالی محتوای شرح

قطب‌الدین راوندی در مقدمه‌ای کوتاه که در آغاز این کتاب آورده، بعد از حمد و ثنای الاهی برنامهٔ خود را در تألیف، این گونه می‌نویسد: «**فعزمت علی شرح جمیع الکتاب مستعیناً بالله علی وجه الصّواب**» (همان، ج ۱، ص ۵). و بعد از آن شرح خود را آغاز می‌کند. ایشان در ابتدای چند خطبه ابتدایی سند آنها را ذکر می‌کند ولی در ادامه، سند سایر خطبه‌ها را نمی‌آورد؛ زیرا معتقد است که «کتاب با آوردن اسانید خطبه‌ها طولانی می‌شود» (همان، ج۱، ص۱۴۷). ترتیب خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار در شرح حفظ شده است. وی هر آنچه از نکات ادبی، تاریخی و یا عبارات غریب را که لازم دانسته، توضیح داده است؛ لذا طبق این دیدگاه تمام عبارات نهج‌البلاغه شرح داده نشده است. البته غیر از موارد مذکور، خلاصه‌نویسی، پرهیز از اغلاق، حلّ وجوه غامض در روایات و دور بودن از تعصّب فرقه‌ای، از ویژگی‌های تألیفی وی در کتاب **منهاج البراعة** به شمار می‌رود.

روش‌های فقه الحدیثی قطب الدین راوندی در «منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة»

۱. استفاده از اشعار در تبیین روایات

از گذشته تا کنون، شعر جایگاه ویژه‌ای در ادبیات اقوام گوناگون داشته است. کلام موزون به عنوان نمودی از استعداد گوینده آن است که در زبان‌ها و اقوام مختلف شدت و ضعف دارد و به دلیل جایگاه ویژه، غیر از ادیبان، علماء مذهبی نیز به این نوع کلام اهمیت ویژه‌ای داده‌اند. قطب‌الدین راوندی نیز به شعر توجه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

خاصی دارد، به طوری که دیوانی با نام «**نفثة المصدور**» از خود به یادگار گذاشته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۰۲، ص۲۳۷؛ منتجب الدین، ۱۳۸۶، ص۶۸؛ تهرانی، ۱۴۰۸، ج۲۴، ص۲۴۴) ولی از اشعارِ وی جز مقدار کمی به ما نرسیده است که محدث نوری در «خاتمه مستدرک» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲۱، ص۸۰-۸۲)، علامه امینی در «**الغدیر**» (امینی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص۳۷۹) و سید محسن امین در «**أعیان الشیعة**» (امین، ۱۴۰۶، ج ۷، ص۳۶۰) به نقل برخی از آنها پرداخته‌اند، اما آن کتاب به شکل مستقل به دست ما نرسیده است.

قطب‌الدین راوندی در شرح احادیث، از اشعار شاعران مختلفی استفاده کرده است که غیر از اشعار ائمه:، برخی از آنها عبارتند از: حسان بن ثابت (راوندی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص۳۵۴)، امرؤ القیس (همان، ج۳، ص۳۸۸)، أعشی (همان، ج۲، ص۱۹۲)، راعی (همان، ج ۲، ص ۲۴۷)، ابوذؤیب (همان، ج۲، ص ۳۷۱)، کمیت (همان، ج۲، ص۱۸۱). در مواردی نیز اسم شاعر را ذکر نکرده و فقط گفته است: «**قال الشّاعر**» (همان، ج ۱، ص ۲۷۷) یا «**کقول الشّاعر**» (همان، ج۳، ص ۴۵).

ایشان در آثار خود از اشعار شاعران مختلفی استفاده کرده است تا مخاطب و خواننده از این رهگذر به مراد معصوم7 نزدیک و فهم حدیث برای او راحت‌تر شود. زبان شعر به دلیل آهنگین بودن، در دل مخاطب و خواننده اثر مناسبی می‌گذارد و ضمن جذب و تلطیف روح او باعث نفوذ کلام نیز می‌شود. به همین دلیل راوندی در شرح احادیث از این نوع کلام استفاده کرد تا کلام معصوم7 اثربخش واقع شود.

به عنوان نمونه راوندی حدیث امام علی7 را نقل می‌کند که فرمود: «**إِنَ الصَّبْرَ لَجَمِیلٌ إِلَّا عَنْكَ وَ إِنَّ الْجَزَعَ لَقَبِیحٌ إِلَّا عَلَیكَ وَ إِنَّ الْمُصَابَ بِكَ لَجَلِیلٌ وَ إِنَّهُ قَبْلَكَ وَ بَعْدَكَ لَجَلَل**» (نهج‌البلاغه، کلمه۲۹۲): شکیبایی زیباست مگر بر مرگ تو، و بی‌تابی زشت است مگر در مصیبت تو. به یقین مصیبتی که از مرگ تو به ما رسید بزرگ، و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

مصائب پیش از تو و بعد از تو کوچک است؛ آنگاه در تبیین معنای واژه «جلل» بعد از بیان معنای آن، به شعری از «امرؤالقیس» استناد می‌کند:

«**الجلل: الأمر العظیم، قال: ولئن عفوت لأعفون جللاً و الجلل أیضاً الاهین و هو من الأضداد. قال أمرؤالقیس لمّا قتل أبوه: «ألا کلّ شیئٍ سواه جلل**» (راوندی، ۱۴۰۶، ج۳، ص۳۸۸).

در این بیان، قطب راوندی بعد از اینکه «جلل» را به معنای امر بزرگ، معنا کرد، در ادامه، آن را نیز از اضداد می‌شمرد و معنای «هیّن» را به عنوان معنای ضد ارائه می‌دهد. در آخر هم برای کاربرد معنای «هیّن» به یک مصراع از امرؤالقیس استناد کرد تا کلام خود را اثبات کرده باشد. یعنی وی برای ارائه معنای «هیّن»، به کاربرد و استعمال عرب جاهلی استناد می‌کند که این روش - یعنی استناد به شعر و کلام عرب- روشی مفید و قابل استناد در معناشناسیِ واژگان قرآن و حدیث می‌باشد.

۲. استناد به اقوال علمای شیعه قبل از خود

قطب‌الدین راوندی در شرح برخی احادیث، به نظرات علمای شیعه قبل از خود توجه کرده و در مواردی به نقل قول از آنها پرداخته است. رجوع به اقوال علمای قبل از خود، ذیل یک موضوع خاصّ، به شارح کمک می‌کند تا بتواند با استفاده از اقوال علمای قبل از خود به نتیجه جدیدی از روایتِ مورد بحث برسد. قطب راوندی در شرح احادیث، از این شیوه به عنوان یک روش در فقه الحدیث بهره برده است. از جمله کسانی که راوندی به نقل قول از آنها پرداخته و به نظرات آنها در شرح احادیث اهمیت داده است می‌توان به شیخ طوسی (راوندی، ۲۰۱۰، ص۷۰)، سید مرتضی (همان)، سید رضی (راوندی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص۱۸۱)، شیخ مفید (همان، ج۱، ص۴۶) و شیخ حافظ ابونعیم اصفهانی (راوندی، ۲۰۱۰، ص۳۸۹) و ابوعلی مسکویه (راوندی، ۱۴۰۶: ج۱، ص۱۳۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

اشاره کرد.[1] در این مورد چند نمونه نقل می‌شود.

نمونه اول؛ راوندی ذیل نخستین خطبه نهج‌البلاغه که امیرالمؤمنین7 فرمود: «**أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصْدِيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصْدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُه**» (نهج‌البلاغة، خطبه۱) می‌نویسد:

«همه اینها در زبان عربی نیکوست و هیچ مانعی ندارد مخصوصاً زمانی که با ادله عقلی همراه باشد و چیزی که این تأویل و بیان را تأکید می‌کند آن است که شیخ مفید در کتاب «الإرشاد» با روایت دیگری از امام علی7 می‌آورد که فرمود: سرآغاز پرستش خداوند شناختن او است...»؛ آنگاه روایت شیخ مفید از این حدیث را نقل می‌کند. (راوندی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص۴۶)

راوندی در این بیان به نقل حدیثی از شیخ مفید در کتاب «الإرشاد» می‌پردازد و با روایت نهج‌البلاغه در همین زمینه -یعنی توحید- مقایسه می‌کند و آنها را شبیه به هم می‌داند. ولی از این حیث که روایت «الإرشاد» ادله عقلیِ بیشتری در بر دارد، آن را آورده تا فهمِ کلام امام7 در نهج‌البلاغه آسان‌تر گردد.

نمونه دوم؛ راوندی بعد از نقل خطبه چهارم در نهج‌البلاغه، صدورِ آن را به نقل از ابوعلی مسکویه، «بعد از کشته شدن طلحه و زبیر» می‌داند. (همان، ج ۱، ص۱۳۶)

۳. توجه به اقوال علمای لغت قبل از خود

این بحث به دلیل کثرت نقل قول راوندی از علمای لغتِ قبل از خود، به عنوان

۱. دلیل ما درباره شیعه بودن حافظ ابونعیم، بیان صاحب «معالم العلماء» (ابن شهرآشوب، ۱۳۸۰، ص۲۵) و «الطرائف» (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ص۱۸۱) است که او را شیعه نامیده‌اند. البته برخی مثل سید محسن امین در کتاب «أعیان الشیعة» او را شیعه نمی‌دانند. وی می‌نویسد: «أبو نعیم الأصفهانی أحمد بن عبد الله صاحب حلیة الأولیاء لیس بشیعی و تشیعه محتمل» (امین، ۱۴۰۶، ج۱، ص ۱۴۹)؛ ولی به دلیل تألیف چندین کتاب درباره فضائل اهل بیت: مثل «الخصائص فی فضل علی» و «أربعون حدیثاً فی المهدی» مورد توجه علمای شیعه بوده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

روشی جداگانه آورده شده است. از جمله کسانی که ایشان در فهم واژگان یا عبارات حدیث، به آنها رجوع کرده و به نقل قول از آنها پرداخته است می‌توان به إبن الأعرابی (راوندی،۲۰۱۰، ص ۱۸۴)، إبن درید (همان، ص ۲۴۸)، إبن حبیب (همان، ص۲۹۴)، خلیل بن أحمد فراهیدی (همان، ص ۳۰۵)، أبوزید (همان، ص۳۶۳)، جوهری (همان، ص ۴۴۵)، سیبویه (همان، ص ۴۷۴)، زجاج (همان، ص ۳۸۱)، أصمعی (راوندی،۱۴۰۶، ج۱، ص ۱۴۹)، إبن السّکیت (همان، ج۱، ص۲۱۷)، مبرّد (همان، ج۲، ص ۱۹۲)، أزهری (همان، ج۳، ص۳۵۰) اشاره کرد.

نمونه اول؛ قطب‌الدین راوندی در تبیین معنای «تقوی»، با استناد به قول «أزهری» می‌نویسد:

«**قال الأزهری: أُدغم الواو من أوتقی فی تاء الإفتعال، و التّقوی إسم و موضع التّاء واو و أصلها وقوی و هی فعلی من وقت أی حفظ**» (همان، ج ۲، ص ۲۲۳).

راوندی نه فقط برای تبیین معنای واژگان بلکه در همه زمینه‌ها و شاخـه‌های علوم عربی از اقوال دانشمندان لغت شناس بـهره می‌گیرد. چنانکه در مثال فوق، از دیدگاه صرفی ازهری در تبیین ریشه و ماده کلمه «تقوی» کمک گرفته است.

نمونه دوم؛ قطب راوندی در تبیین کلمه «هَلُمَ» در کلام امام7 که فرمود: «**وَ هَلُمَ الْخَطْبَ فِی ابْنِ أَبِی سُفْیانَ فَلَقَدْ أَضْحَکَنِی الدَّهْرُ بَعْدَ إِبْکَائِه**» (نهج البلاغه، خطبه۱۶۲) به قول أصمعی استناد می‌کند و می‌نویسد:

«**قال الأصمعی: أصله «لم» من لم الله شعثه أی جمعه و هاء للتّنبیه، کأنّه أراد لم نفسک إلینا أی أقرب و حذف ألفها لکثرة الإستعمال**» (راوندی،۱۴۰۶، ج۲، ص۱۲۴).

راوندی در این بیان، از دیدگاه «أصمعی» واژه «هلم» را از ریشه «لم» می‌داند، ولی خودش آن واژه را از ریشه «هلم» می‌داند و به معنای «هات» معنا می‌کند (همان). این مـعنا، موافـق با نظـر اکـثر علمای لغت می‌باشد. (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص۵۶؛ صاحب بن عبّاد، ۱۴۱۴، ج۳، ص۴۹۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص۶۰)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

۴. استناد به تاریخ و داستان‌های تاریخی

راوندی در مواردی برای تبیین ابعاد مختلف حدیث، به تاریخ اسلام و یا قبل از آن توجه کرده است. این کار سبب می‌شود که خواننده با فضای صدور روایت آشنا و به مراد معصوم7 نزدیک گردد و آن را بهتر بفهمد. از این استنادها می‌توان به تاریخ انبیاء و ائمه: داستان‌های عرب و یا مَثَل و داستان‌های رایج میان مسلمانانِ آن زمان، اشاره کرد.

به عنوان نمونه راوندی ذیل کلام امام علی7: «مَا أَسْلَمَ مُسْلِمُكُمْ إِلَّا كَرْهاً» (نهج‌البلاغه، نامه۶۴)؛ برای تبیین این قسمت به مطالب کتابهای تاریخ در زمینه اعتقادات معاویه و ابوسفیان استناد می‌کند:

«إشارة إلی ما کان من أبی سفیان علی ما هو معروف فی التّواریخ أنّ رسول الله6 فی غزوة الفتح أتی مکّة فی خفیة فلمّا نزل7 بالبطحاء و ما حولها و کان أبوسفیان و قد خرج فی اللّیلة مع رجل آخر من قریش ... فلمّا دخلا -یعنی عباس بن المطّلب و أباسفیان- علی رسول الله6 عرض الإسلام علی أبی سفیان فلم یقبل» (راوندی،۱۴۰۶، ج۳، ص۲۳۲).

راوندی در این بیان، به قطعه‌ای از تاریخ اسلام و واقعیت‌های آن زمان اشاره می‌کند تا حقیقت کلام امام علی7 در باره آل ابوسفیان بیش از پیش روشن گردد که اظهار اسلام از سوی آنان، با کراهت بوده و نه از روی خواستِ حقیقی ایشان. لذا به جریان غزوه فتح مکه و جریان اسلام نیاوردنِ ابوسفیان، در آن زمان استناد می‌کند.

راوندی در این روش، برای تبیین روایات، از داستان‌های مذکور در کتب روایی به شکل مرفوع (راوندی، ۱۴۰۶، ج۲، ص۲۹۷)، از داستان‌های رایج میان اعراب (همان، ج۲، ص ۲۶۹) و نیز از داستان‌های مشهور بین مسلمانان استفاده کرده است (راوندی: ۲۰۱۰،

ص ۹۶). هدف از آوردن همه این موارد، فهم بهتر روایت برای خواننده می‌باشد.

۵. دفاع از مبانی کلامی شیعه و رد مخالفان

راوندی در مواضع مختلفی ذیل روایات اعتقادی، از مبانی کلامی شیعه دفاع کرده و در ادامه به ردّ دیدگاه مخالفان نیز پرداخته است. ایشان در نگارش کتاب‌های خود، زبانی آرام و به دور از تعصّب دارد و می‌کوشد که آثارش موجب ایجاد کینه نگردد، ولی با دلیل و مدرک عقلی و نقلی به دفاع از کلام شیعه اقدام کرده است.

نمونه اول؛ راوندی ذیل حدیث امام علی7 در باب توحید: «**وَ الرَّادِعُ أَنَاسِیَ الْأَبْصَارِ عَنْ أَنْ تَنَالَهُ أَوْ تُدْرِکَه**» (نهج‌البلاغه، خطبه۹۱) می‌نویسد:

«فإن قیل: هذا یدلّ علی صحّة قول الأشعری بأنّه تعالی ردع الأبصار من أن تراه، بأن لم یخلق لها الإدراک و إن لم یکن کذلک فما معنی هذه الکلمة؟ قلنا: قد ثبت أنّ الإدراک لیس بمعنی، إذ لو کان معنی تری به لجاز أن لو خلق الله فی عین الضّریر ببغداد إدراک بقّ الصّین فیراه، و لو لم یخلق فی عین البصیر إدراک جبل بین یدیه فلا یراه و فی تجویز هذا، خروج عن المعقول. و لا شبهة فی أنّا لا نری الله الآن، ... لأنّا لسنا علی الصّفة الّتی معها یصلح أن نری، أو لأنّ بعض الموانع یمنع من رؤیته، أو لیس هو بمرئی فی نفسه؛ و إذا بطل القسمان ثبت الثّالث. فهذا دلیل العقل الّذی لا یُأَوَّلُ» (راوندی، ۱۴۰۶، ج۱، ص۳۷۹).

راوندی در ابتدای کلام خود سؤالی را مطرح می‌کند که ظاهر کلام امام7 دلالت بر صحت قول اشاعره دارد؛ زیرا خداوند، چشم‌ها را از اینکه او را ببینند باز می‌دارد؛ زیرا برای آنها قوه ادراکی خلق نکرده است. حال که اینگونه است معنای حدیث فوق چیست؟

ایشان در پاسخ می‌گوید که ادراک به معنای دیدن نیست؛ زیرا اگر به معنای دیدن می‌بود، آنگاه خداوند می‌بایست نوعی درک، در چشم آسیب دیده‌ای خلق می‌کرد تا ریزترین چیزها را ببیند و یا می‌توانست قدرت درکِ دیدن برخی چیزها را از چشم بینا بگیرد. ولی خداوند این کارها را نمی‌کند؛ زیرا معقول نیستند. ایشان در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

ادامه می‌افزاید که علل ندیدن خداوند، عبارتند از: صلاحیت نداشتن بندگان به دلیل نداشتنِ ویژگی مخصوص، وجود موانع و اینکه بگوییم خداوند ذاتاً دیدنی نیست.

نمونه دوم؛ راوندی ذیل حدیث امام علی7 که فرمود: «أَيهَا النَّاسُ سَلُونِی قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِی فَلَأَنَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّی بِطُرُقِ الْأَرْض» (نهج‌البلاغه، خطبه۱۸۹) می‌نویسد: «هذه جملة قسميّة يؤكّد بها جملة متقدّمة «سَلُونِی قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِی» ثم أقسم و قال: «و الله لأنّا بما سيكون من الأمور الالاهية السّماويّة و إنّها ستقع فی الحال و الإستقبال فی الدّنيا و أهليها، أعلم منّی بما قد مضی و من كان فی الدّنيا و قد وقع منذ عهد آدم7 إلی زماننا هذا» و إذا كان علیٌّ عليه السّلام عالماً بشرائع الأنبياء قبل محمد6 فلأن يكون بشريعة نبيّه أعلم، فهو الأولی» (راوندی، ۱۴۰۶، ج۲، ص۴۴۷).

در اینجا راوندی فضائلی از زبان امام7 بیان می‌دارد که ایشان دارای علم الاهی است به طوری که به همه امور گذشته و آینده، در زمین و آسمان آگاهی دارد، آنگاه امام علی7 را آگاه‌ترینِ مردم به شریعت پیامبر اسلام6 معرفی می‌کند و ایشان را برای همه امور - اعم از خلافت و غیر آن- أولی می‌داند. و از مقام و جایگاه امامت امام علی7 بعد از پیامبر6 دفاع می‌کند.

دفاع راوندی از مبانی کلامی و اعتقادی شیعه، علاوه بر **منهاج البراعة**، در مواضع مختلفی از آثار ایشان آمده است. (ر.ک؛ همان، ج۱، ص۴۴۸؛ همان، ج۲، ص۴۳۲ و ۴۴۴؛ همان، ج۳، ص۷۶؛ راوندی، ۲۰۱۰، ص۲۶۳؛ راوندی، ۱۴۰۹، ج۲، ص۸۷۷-۸۸۲)

۶. اشاره به اختلاف روایت

یکی از فواید توجه به اختلاف نقل روایات، یافتن معانی جدید به دلیل نقل‌های گوناگون است. قطب‌الدین راوندی در شروحِ خود معمولاً به اختلافِ نقل در روایات توجه کرده است. مخصوصاً وقتی که اختلاف نقل باعث عوض شدنِ معنای

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

حدیث گردد. به عنوان مثال ذیل خطبه امام علی7 که فرمود: «**إِتَّخَذُوا الشَّيطَانَ لِأَمرِهِم مَالِكاً**» (نهج‌البلاغه،خطبه ۷) می‌نویسد:

«**و روی: «لأمرهم ملاكاً» أی: جعلوا وسواسه قواماً لأمورهم**» (راوندی، ۱۴۰۶، ج۱، ص۱۵۲).

وی در این بیان به روایت دیگری از این خطبه اشاره می‌کند که «**مالکاً**» را «**ملاکاً**» ضبط کرده بود. و در نتیجه، معنای عبارت نیز عوض شد.

۷. استفاده از علوم ادبی

زبان عربی شاخه‌های گوناگونی در زمینه تکلم دارد. این زبان، زبان قرآن و حدیث است و خدای تعالی و حجتهای او در این قالب با بشر سخن گفته‌اند. این زبان، غیر از توانایی ذاتی، قابلیت ویژه‌ای برای بیان مقاصد و اهداف متکلّم دارد. نکته قابل توجه در فهم حدیث این است که شناخت معانی و مقاصد ابتداییِ هر سخنی، وابسته به فهم جوانب گوناگون آن از نظر لغت، صرف، نحو و بلاغت می‌باشد. بر همین اساس، بخشی از فعالیت‌های عالمان قرآن و حدیث به تبیین دقایق ادبی آیات و روایات، معطوف بوده است. قطب‌الدین راوندی نیز از این روشِ کارآمد، بهره فراوانی برده است. توجه ایشان در این روش، به چهار بخش از علوم عربی یعنی صرف، نحو، بلاغت و لغت معطوف است. وی این روش را یکی از اساسی‌ترین روش‌های فهم حدیث می‌داند، به گونه‌ای که اگر کسی شروح ایشان را مطالعه کند، وی را به عنوان یک چهره ادبی نیز خواهد یافت؛ زیرا وی در بیشتر موارد از علوم ادبی استفاده کرده است. اینک نمونه‌هایی از این شیوه بیان می‌شود.

الف) مباحث صرفی

علم صرف به ساختار کلمه می‌پردازد و ریشهٔ پیدایش کلمه را بررسی می‌کند. هر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

کس می‌خواهد مراد معصوم را بفهمد باید با این علم آشنایی داشته باشد. لذا اکثر علمای اسلام در شرح روایات به ساختار صرفی واژگانِ کلام معصوم7 توجه کرده‌اند. راوندی نیز به این مهم، اهمیت خاصی داده است و در مواردی با استفاده از قوانین علم صرف ریشه کلمه را شناسایی و کلام را تبیین کرده است.

به عنوان نمونه راوندی در تبیین کلام امام علی7 در حکمت بعثت انبیاء: که فرمود: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رُسُلَه ... يرُوهُمْ آياتِ الْمَقْدِرَةِ مِنْ سَقْفٍ فَوْقَهُمْ مَرْفُوعٍ وَ مِهَادٍ تَحْتَهُمْ مَوْضُوعٍ وَ مَعَايِشَ تُحْيِيهِمْ وَ آجَالٍ تُفْنِيهِم» (نهج‌البلاغه، خطبه۱) می‌نویسد:

«معايش» لايهمز لأنّ الياء فيها عين الفعل بخلاف المدائن فهمزتها من ياء زائدة.» (راوندی، ۱۴۰۶، ج۱، ص۷۶)

راوندی می‌نویسد که کلمه «معایش» مهموز نوشته نمی‌شود؛ زیرا «یاء» در آن عین الفعل است، یعنی ریشه معایش، «عیش» است. بر خلاف کلمه «مدائن» که همزه موجود در آن به دلیل وجود یاء زائده است، چون ریشه‌اش «مدن» و مفردش هم «مدینه» می‌باشد که جمعش با «یاء» زائده همراه است.

ب) مباحث نحوی

در صرف، به بررسی تک تک واژگان از حیث ساختار آنها توجه می‌گردد ولی در مباحث نحوی به بیان نقش دستوری کلمات و ترکیب آنها با همدیگر بحث و گفتگو می‌شود. همه روایات به زبان عربی فصیح صادر شده‌اند. به طوری که اگر غلط یا اغلاط دستوری در متن روایت وجود داشته باشد، سبب ضعف و خدشه به اعتبار روایت خواهد بود. بر همین اساس، راوندی در مواردی به تحلیل مباحث نحوی موجود در روایات می‌پردازد تا از این رهگذر به معنای مراد معصوم7 نزدیک گردد. راوندی در برخی موارد، نظر سایر علمای علم نحو را در یک زمینه جویا شده است و به نقل قول از آنها می‌پردازد. به عنوان مثال در کتاب «منهاج البراعة» می‌نویسد:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

«روایة «و کتب علیّ بن أبی طالب» صحیحة و روی «و کتب علیّ بن ابوطالب». قال النّحویون: إنَّ الرّجل إذا سمّی بکنیته لایغیّر علیه الإعراب و یستوی فیه الرّفع و النّصب و الجرّ لأنّه بجملته مثل کلمة واحدة، یقولون هذا أبوزید و رأیت أبوزید و مررت بأبوزید» (همان، ج۳، ص۲۵۷).

راوندی در اینجا با توجه به قول علمای نحو، رفع ابهام می‌کند که وقتی کنیهٔ شخصی را می‌آوریم، برای آن کنیه، إعراب فرقی نمی‌کند و می‌توان به سه حالتِ رفع و نصب و جر نوشت.

ایشان در جاهای گوناگونی به تبیین مباحث نحوی پرداخته است. (ر.ک؛ راوندی، ۲۰۱۰، ص۹۴ و ۲۶۵ و ۲۹۰ و ۴۲۴؛ راوندی، ۱۴۰۶، ج۱، ص۱۵۶ و ۱۸۷؛ همان، ج۲، ص۱۳۰؛ ج۳، ص۱۸۰ و ۲۰۰)

ج) توجه به مباحث بلاغی

علوم بلاغی از دیگر علوم ادبی است که راوندی به آن توجه ویژه‌ای کرده است. ایشان وجود انواع علوم بلاغی در کلام ائمه: را به عنوان یک اصل و مبنا قبول دارد به طوری که در مواجهه با آنها در سخنان آن گرامیان، هر جا که لازم دانسته، به شکلی طبیعی برخورد می‌کند و به استخراج آن نکات می‌پردازد.

مثلاً راوندی ذیل کلام امام علی7 که فرمود: «مَا هِی إِلَّا الْکُوفَةُ أَقْبِضُهَا وَ أَبْسُطُهَا» (نهج‌البلاغه، خطبه۲۵) می‌نویسد:

«ذکر أوّلاً الکوفة علی سبیل الإخبار عنها ثم إلتفت و خاطبها. و هذا نوع من الفصاحة یسمّی التّفنّن فی الکلام، کما قال الله تعالی «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ» (الفاتحه/۲) ثمّ خاطب فقال «إِیاکَ نَعْبُدُ وَ إِیاکَ نَسْتَعینُ» (الفاتحه/۵)» (راوندی، ۱۴۰۶، ج۱، ص۲۰۰).

راوندی در این حدیث به نوعی از ساختار کلامی از حیث بلاغت اشاره کرده و آن صنعت «تفنّن در کلام» است. که یکی از اسالیب کلام در بلاغت به شمار می‌رود. ایشان به وجه بلاغیِ روایات و مخصوصاً محتوای کتاب «نهج‌البلاغه» از این حیث

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

توجه خاصی دارد. به طوری که در پایان کتاب «منهاج البراعة» در جلد سوم، فصلی را با این عنوان نگاشته است: «فی أنواع البلاغة نختم به الکتاب»، که در آن چهارده حالت و نوع از قالب‌های کلی کلامِ بلیغان را می‌آورد و در نهایت می‌نویسد: «و إذا نظرت فی کلام أمیرالمؤمنین7 رأیت أخوات کثیرة لهذه الأمثلة تزید فی الحسن» (همان، ج۳، ص۴۵۶).

راوندی در بیان نکات بلاغی روایات، هر جا که لازم دانسته به آنها اشاره کرده است. (ر.ک؛ همان، ج ۱، ص۲۶ و ۲۰۰؛ همان، ج۳، ص ۱۸)

د) مباحث لغوی

از میان بیانات راوندی کمتر حدیثی را می‌توان یافت که به بررسی واژگان نپرداخته باشد. این وضعیت در سراسر بیانات ایشان، از حالت یکسان و یکپارچه‌ای برخوردار است. و هر جا که لازم دانسته به تبیین معنای لغوی پرداخته است. از شیوه‌های راوندی در تبیین معنای واژه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

د-۱) توجه به اصل معنای کلمه

راوندی در مواضع مختلفی به تبیین اصل و ریشه واژه پرداخته و طبق آن، به معنای کلمه اشاره کرده است. توجه به اصل معنای کلمه و انطباق آن بر معنای مستعمل در حدیث نشان از مهارت فوق العاده راوندی در معناشناسی واژگان دارد. به عنوان نمونه، وی در تبیین معنای «ایمان» می‌نویسد:

«الإیمان فی أصل اللّغة هو التّصدیق و فی عرف الشّرع کذالک إلّا أنّه مخصّصٌ و هو التّصدیق بالقلب لأرکان الدّین و یقال لمن یظهر الإیمان من نفسه و لم یکن مصدّقاً بالحقیقة أنّه مؤمنٌ مجازاً» (همان، ج۲، ص۴۴۳).

راوندی اصل معنای لغوی «ایمان» را به معنای تصدیق می‌داند که در شرع نیز به همان معناست، با این تفاوت که آن تصدیق، قلبی و نسبت به ارکان دین می‌باشد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

ایشان بین مؤمن حقیقی و مؤمن مجازی فرق می‌گذارد؛ به این شکل که اگر کسی ایمانش را اظهار کرد ولی در حقیقت و درون خود، آن را تصدیق نکرد، مؤمن مجازی است. و هر کس که ایمانش را در قلب خود تصدیق کرد، مؤمن حقیقی خواهد بود.

د-۲) ارائه معنای ذوقی و جدید برای برخی واژگان

راوندی در مواردی برای واژگان کلام معصوم7، معنای خاصی را می‌آورد که هیچ یک از کتب لغت آن را ارائه نداده‌اند. البته معنای راوندی با معنای آن واژه در کتب لغت در تضاد نیست، بلکه هر کدام وجهی از وجوه معنایی آن واژه را تبیین می‌کنند. ولی معنایی که او ارائه می‌دهد، اجمال روایت را بهتر و زیباتر برطرف می‌کند تا معنایی که لغویان در کتب لغت ارائه کرده‌اند.

به عنوان نمونه ایشان ذیل کلام امام علی7 که فرمود: «**الْكُفْرُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ عَلَى التَّعَمُّقِ وَ التَّنَازُعِ وَ الزَّيغِ وَ الشِّقَاق**» (نهج‌البلاغه، کلمه۳۱) می‌نویسد:

«**والتّعمّق فی الکلام: التّعقّر و التّباعد فیه، بأن یتعسّف الإنسان فی ذلک و یترک ظاهره المحمود الّذی یوافق دلیل العقل حسناً**» (راوندی، ۱۴۰۶، ج۳، ص۲۷۴).

هیچ یک از لغویان، چنین تعریفی از واژه «تعمّق» ارائه نکرده‌اند. آنچه کتب لغت درباره آن آورده‌اند عبارت است از: «**تعمّق فی کلامه تنطّع**» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۸۷؛ إبن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۴۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج۱۰، ص ۲۷۱؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج۱۳، ص۳۵۶). طبق بیان کتب لغت، عبارت است از: پرگویی و پراکنده گویی در کلام.

ولی به عقیدهٔ راوندی معنایش عبارت است از «بسیار جلو رفتن در یک کلام و دور شدن از معنای آن، به طوری که انسان برای یافتن آن به بیراهه رود و ظاهر پسندیدهٔ آن کلام را که موافق با دلیل و روش عقلی است رها کند».

راوندی در این بیان، «تعمّق» را پرداختن به کلامی معرفی می‌کند که شخص در آن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

فرو رود و از معنای اصلی آن گمراه شود و نتواند به مرادِ کلام برسد. در واقع «تعمّق» حامل معنای منفی است که ما از این نوع تفکر منع شده‌ایم. لذا معصوم7 این روشِ تفکر را از ما نخواسته است که در مسأله‌ای عمیق شویم تا اینکه مراد گوینده، نزد ما گم شود، بلکه باید به شکل منطقی و به دور از هر گونه تعصب، یک کلام را مورد بررسی قرار داد. «تعمّق» یکی از وجوه و ارکان کفر است، از آن روی که در مواردی از کلام خدا یا معصوم7 مباحث عمیقی از توحید و خداشناسی مطرح گردیده که عقل از تصرف در آن عاجز است، که غورِ بیش از حدّ در آن مباحث، سبب سردرگمی می‌گردد و در نهایت ممکن است ما را به گمراهی بکشاند. لذا مردم را از داشتن این ویژگی نهی کرده‌اند.

د-۳) توجه به استعمال واژه نزد عرب در تبیین معنا

راوندی در مواردی جهت تبیین معنای واژه به استعمال آن نزد عرب توجه کرده است. یعنی برای فهم روایت، نوع کارکرد عرب برای آن واژه، نزد او اهمیت دارد تا از این طریق معنای دقیق را از روایت ارائه دهد.

به عنوان نمونه قطب الدین راوندی ذیل کلام امام علی7 که فرمود: «ثُمَّ أَدَاءَ الْأَمَانَةِ فَقَدْ خَابَ مَنْ لَيسَ مِنْ أَهْلِهَا إِنَّهَا عُرِضَتْ عَلَى السَّمَاوَاتِ الْمَبْنِيةِ وَ الْأَرَضِينَ الْمَدْحُوَّة» (نهج‌البلاغه، خطبه۱۹۹)، به آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَينَ أَنْ يحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً جَهُولاً» (الأحزاب/۷۲) استناد می‌کند و می‌نویسد:

«و قد بيّنّا وجهاً فی ذلک و هو أنّ معنی «العرض» و «الإباء» ليس ما يفهم بظاهر الكلام، بل المراد: تعظيم شأن الأمانة فی خطاب الجماد و العرب تقول: سألت الرّبع و الدّار و خاطبت فامتنع عن الجواب و إنّما هو إخبار عن الحال، ... و القرآن نزل علی طرقهم» (راوندی، ۱۴۰۶، ج۲، ص ۳۱۵).

ایشان مراد امام7 را بعد از استناد به آیه شریفه و زبان عرب، استخراج می‌کند و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

می‌گوید که منظور از این نوع بیان، اشاره به عظمت بحث امانت و امانت‌داری نزد خداوند می‌باشد.

راوندی در موضع دیگری از شرح نهج‌البلاغه ذیل نامه امام علی7 که فرمود: «**فَإِذَا قَدِمْتَ عَلَى الْحَيِّ فَانْزِلْ بِمَائِهِمْ مِنْ غَيرِ أَنْ تُخَالِطَ أَبْيَاتَهُم**» (نهج‌البلاغه، نامه۲۵) می‌نویسد: «**و الحیّ قبیلة. فإذا قدمت أی دخلت فأنزل بمائهم أی أنزل به یعنی أنزل بقریب منهم علی رأس مائهم فإنّ عادة أحیاء العرب و أهل البوادی أن یکون بینهم و بین مائهم شیئٌ قلیلٌ، و إنّما قیّد نزوله بمائهم لیکون أبعد من الرّیبة منهم به و أقرب إلی علمهم و معرفتهم به**» (راوندی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۵۸).

ایشان در تبیین مراد امام7 به استعمال عبارت «**فأنزل بمائهم**» نزد عرب می‌پردازد و اینکه مراد از این عبارت نزد آنها، عبارت است از اینکه «وقتی خواستی به آبادی داخل شوی، قبل از آن آبادی ساکن شو و داخل خانه‌های آنها مشو و مرحله به مرحله با آنها ارتباط برقرار کن».

۸. توجه به وجوه گوناگون معنایی روایت

یکی از هنرهای شارح این است که با توجه به احاطه علمی خود بر موضوعِ مورد شرح، وجوه گوناگون معنایی روایت را بیان کند. این روش، یک روش معمول بین اکثر علمای اسلام در شرح احادیث و نیز تفسیر آیات قرآن بوده است که در آن به وجوه گوناگون معنایی آیه یا روایت اشاره می‌کنند. گوناگونی وجوه معنایی برای یک روایت به عوامل مختلفی برمی‌گردد که از آنها می‌توان به: ۱. استنباط‌های مختلف درباره نقش کلمات؛ ۲. برداشت‌های گوناگون از یک واقعه تاریخی که ناظر به آن روایت است؛ ۳. عدم توجه به صدر و ذیل آیه یا روایت؛ ۴. وجود کلمات غریب در آن عبارت و ... اشاره کرد.

به عنوان نمونه قطب الدین راوندی ذیل حدیث امام علی7 که فرمود: «**مَنْ أَحَبَّنَا**

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

أَهْلَ الْبَيتِ فَلْيسْتَعِدَّ لِلْفَقْرِ جِلْبَابا» (نهج‌البلاغه، کلمه ۱۱۲) به سه وجه معنایی از سه دانشمند اشاره می‌کند:

«إنّ لهذا الخبر وجوهاً ثلاثة: أحدها ما قاله أبوعبيد من أنّ المراد به مَن أحبّنا فليعدّ لفقره يوم القيامة ما يجبره من الثّواب و القرب إلى الله و لم يرد به الفقر فی الدّنيا، لأنّا نری فی من يحبّهم كما فی سائر النّاس من الغنی و الفقر. و قال إبن قتيبة: فيه وجهاً ثانياً و هو إنّه أراد مَن أحبّنا فليصبر على القليل من الدّنيا و التّقنّع منها. و قال المرتضی وجهاً ثالثاً أی: من أحبّنا فليرم نفسه و ليقدّها إلى الطّاعات و ليذلّلها على الصّبر عمّا كره منها» (راوندی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۳۱۱).

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده، این نتایج حاصل شد:

۱. ایشان در آثار خود از اشعار شاعران مختلفی استفاده کرده است تا مخاطب و خواننده از این رهگذر به مراد معصوم7 نزدیک و فهم حدیث برای او راحت‌تر شود.

۲. قطب الدین راوندی در شرح برخی احادیث، به نظرات علمای شیعه قبل از خود و نیز برخی علمای لغت توجه کرده است. فایده رجوع به اقوال علمای قبل از خود، ذیل یک موضوع خاص، به شارح کمک می‌کند تا بتواند بین اقوال علمای قبل از خود را جمع کند و به نتیجه جدیدی از روایتِ مورد بحث برسد. از علمای شیعه که راوندی به نقل قول از آنها پرداخته است می‌توان به شیخ طوسی، سید مرتضی، سیدرضی و شیخ مفید و از لغویان می‌توان به سیبویه، جوهری و زجاج اشاره کرد.

۳. راوندی در مواردی جهت تبیین ابعاد مختلف حدیث، به تاریخ اسلام و یا قبل از آن توجه کرده است. این کار سبب می‌شود که خواننده با فضای صدور روایت آشنا و به مراد معصوم7 نزدیک گردد و آن را بهتر بفهمد. از این استنادها می‌توان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

به تاریخ انبیاء و ائمه، داستان‌های عرب و یا مَثَل و داستان‌های رایج میان مسلمانانِ آن زمان، اشاره کرد.

۴. قطب الدین راوندی در مواضع مختلفی ذیل روایات اعتقادی از مبانی کلامی شیعه دفاع کرده و در ادامه به رد دیدگاه مخالفان با بیانی مؤدبانه پرداخته است.

۵. راوندی در شروحِ خود - مخصوصاً وقتی که اختلاف نقل باعث عوض شدنِ معنای حدیث گردد- معمولاً به آن توجه کرده است.

۶. ایشان در شرح روایات از چهار بخش از علوم عربی که عبارتند از صرف، نحو، بلاغت و لغت، استفاده فراوانی کرده است.

۷. همچنین به وجوه گوناگون معنایی روایت جهت رسیدن به فهم درست از حدیث توجه کرده است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. إبن أبی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، *شرح نهج البلاغة*، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، اول، ۱۴۰۴.

۲. إبن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، *معالم العلماء*، نجف، منشورات المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰.

۳. إبن طاووس، علی بن موسی، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، قم، خیام، اول، ۱۴۰۰.

۴. إبن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۰۴.

۵. إبن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، سوم، ۱۴۱۴.

۶. امین، سید محسن، *أعیان الشیعة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی‌چا، ۱۴۰۶.

۷. امینی، عبدالحسین، *الغدیر*، بیروت، دارالکتب العربی، سوم، ۱۳۸۷.

۸. تهرانی، آقابزرگ، *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*، قم، اسماعیلیان، بی‌چا، ۱۴۰۸.

۹. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس*، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۱۴.

۱۰. راوندی، سعید بن هبة الله، *الخرائج و الجرائح*، قم، مدرسه امام مهدی7، اول، ۱۴۰۹.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]

۱۱. ____، _____، *ضیاء الشهاب فی شرح شهاب الأخبار*، قم، دار الحدیث، اول، ۲۰۱۰.
۱۲. ____، _____، ***منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة***، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۶.
۱۳.صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، ***المحیط فی اللغة***، بیروت، عالم الکتاب، اول، ۱۴۱۴.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، قم، هجرت، دوم، ۱۴۰۹.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، *بحارالأنوار*، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳.
۱۶. منتجب الدین، علی بن بابویه رازی، *فهرست منتجب الدین*، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۷. نوری، میرزا حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل*، قم، آل البیت، اول، ۱۴۰۸.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.1.3]